



طرح از سالتسی زنان ۱۷۸

الهیات رهایی بخش چالش‌ها بر سر الهیات فمینیستی

نوشته ران راندز (Ron Rhodes)
برگردان: چشم انداز ایران

می‌گوید: "نه یهودی نه یونانی، نه برده نه آزاد، نه مرد و نه زن؛ زیرا همه در داشتن یک مسیح شریک‌اند" - به‌عنوان منشور کبیر بشریت قلمداد شده است.^(۵) مسیحیان به دلیل اعتقاد خود به عیسی چنین استدلال می‌نمایند که فرودستی زنان نسبت به مردان - آن‌گونه که ادعا می‌شود در بخش سوم سفر پیدایش تورات آمده است - با اعلام برابری کامل زن و مرد از سوی مسیح ملغی گردیده است. هرگونه تفسیر کتاب مقدس در جهت لزوم تسلیم زنان در مقابل مردان مبتنی بر سوء تعبیر مفسران مذکر است.

فمینیسم - برای عده‌ای این واژه به معنای رهایی و عدالتی است که مدت‌ها انتظار آن کشیده شده است. برای عده‌ای دیگر، این واژه بیانگر تفرقه است. در بحث پیرامون حقوق زنان، معمولاً شدت حرارت افراد بسیار بالا می‌رود و در چند دهه گذشته، این

مردان. "درحقیقت، مردان ذاتاً برتر از زنان تصور می‌شدند: پلیدی مردان از نیکی‌زنان بهتر است."^(۳) (کتاب اکلوس ۱۴ : ۴۲).

با توجه به چنین جایگاه فرودستی برای زنان، جای تعجب نیست که آنها در جامعه یهود از حقوق قانونی چندانی برخوردار نبودند. به زنان حتی اجازه داده نمی‌شد که در دادگاه شهادت بدهند. به علاوه، براساس اعتقاد مکتب خاخام هیلل (Hillel)، مرد قانوناً می‌تواند زن خود را برای آن‌که غذایش را سوزانده، طلاق بدهد.

مسیحیت در چنین بستر تاریخی ظالمانه‌ای متولد شد. بسیاری از مردم - چه زن و چه مرد - عیسی مسیح را به‌عنوان یک فمینیست ستایش کرده‌اند، زیرا وی جایگاه زنان را در جامعه به شدت مردسالار آن زمان ارتقا داد. علاوه بر آن، بیانیه حضرت پولوس (پل) در آیه ۲۸ : ۳ کتاب گالاتیان‌ها (Galatians) - که

تاریخ نویس یهودی قرن نخست میلادی فلاویوس ژوزفوس (Flavius Josephus) بر این باور است که "زن از هر نظر نسبت به مرد پست‌تر است."^(۶) خاخام یهودا از هم‌عصران ژوزفوس می‌گوید: "بر هر مرد سه شکر در روز واجب است: خداوند تو را سپاس که مرا کافر نیافریدی؛ خداوند تو را سپاس که مرا زن نیافریدی؛ خداوند تو را سپاس که مرا انسانی بی‌سواد نیافریدی."^(۷) خاخام‌های یهودی قرن اول آموخته بودند که نه به زنان تعلیم بدهند و نه با آنها هم‌کلام شوند. ادبیات مربوط به اندیشه یهود به ما می‌گوید که "هرکس با زنان زیاد سخن می‌گوید، شیطان را به سوی خود فرامی‌خواند و مطالعه قوانین را به فراموشی می‌سپارد و دست آخر اسیر دوزخ خواهد شد."^(۸) یکی از دلایل پرهیز از زنان این بود که آنها باعث انحراف مردان می‌شوند: "از لباس‌ها بید برمی‌خیزد و از زنان، پلیدی

اشاره: این مقاله بخش سوم از مجموعه مقالاتی است که در دو شماره گذشته چشم‌انداز ایران با عنوان‌های "امریکای لاتین چهره در حال تحول الهیات رهایی‌بخش" و "الهیات رهایی‌بخش سیاه" درج شد. این مجموعه، از مجله تحقیقات مسیحی - Christian Research Journal (۱۹۹۱) برداشته شده است



بحث به یکی از موضوعات اصلی الهیات بدل گردیده است. امروزه زنان بیشتری در حال به تن کردن جامه کشیشی در کلیساهای مختلف هستند. برخی از نسخه‌های کتاب مقدس با ضمائر توأم مذکر و مونث به چاپ می‌رسد و کسانی که با این امر مخالفت ورزند اغلب متهم به مردسالاری می‌شوند.

گونه‌های فمینیسم

فمینیسم به روش‌های مختلف دسته‌بندی شده است. اما من برای منظور این مقاله، آنها را به صورت زیر تقسیم‌بندی کرده‌ام: فمینیست‌های سکولار، فمینیست‌های عصر جدید، فمینیست‌های لیبرال مسیحی و فمینیست‌های عیسوی.

نیاید تصور نمود که بین این گروه‌ها مرزبندی کاملاً مشخصی وجود دارد؛ بهتر است آنها را به صورت طیف‌های متصل در طول محور الهیات - فلسفه تصور نماییم. در طول این محور، ممکن است یک فمینیست جایگاهی در میان دو طیف داشته باشد و بدین ترتیب از برخی خصوصیات هر دو گروه به‌طور مشترک برخوردار باشد. (۸)

فمینیست‌های سکولار، انسان‌گرایانی هستند که از وارد کردن مفهوم خدا، مکاشفه و مذهب به هرگونه بحث درباره فمینیسم خودداری می‌نمایند. آنها کتاب مقدس را به‌عنوان یکی از منابع اصلی عقاید مردسالارانه و به‌جا مانده از عهد عتیق تصور می‌کنند که هیچ جایگاهی در خصوص نقش مردان و زنان در جامعه امروز ندارد.

فمینیست‌های عصر جدید، پیروان ادیان غیرمتعارف هستند و معمولاً یک الهه زن را پرستش می‌کنند. [شماره اخیر مجله تحقیقات مسیحی (Christian Research Journal)

مقاله‌ای دارد به قلم نورمن گایسلر (Norman L. Geisler) در خصوص فمینیسم و گرایش به ادیان جدید غیرمتعارف.].

کدام پیرو مسیح می‌تواند بی‌عدالتی بنیادی قوانین را که علیه زنان جریان دارد نادیده بگیرد؟ چه کسی می‌تواند با دیدن این که یک زن برای انجام همان کاری که یک مرد انجام می‌دهد حقوقی بسیار کمتر دریافت می‌کند، خشمگین نشود؟

کدام انسان عادل با دانستن این که زنان تنها مدت اندکی است که در آمریکا حق رای به‌دست آورده‌اند دچار سرخوردگی نشود؟

و کدام‌یک از افراد باایمان تاکنون در اعتقادات خود به نقاط تاریک برنخورده، که با بررسی دقیق‌تر، موجب ناخرسندی و پشیمانی وی شده باشد؟ هرکس که مایل باشد می‌تواند نکات قابل تجلیل و دفاع زیادی را در جنبش فمینیسم کشف نماید. (۶)

من فکر می‌کنم حق با لیتفین است. اما افسوس، همان‌طور که خود لیتفین می‌نویسد: "اهداف ارزشمند این جنبش به‌تنهایی قابل طرح نیست." (۷)

در این مقاله، توجه من معطوف به بررسی این نکته است که چگونه فمینیست‌های عیسوی برای دفاع از مدعای خود به کتاب مقدس استناد

فمینیست‌های لیبرال مسیحی در چارچوب دین مسیح حرکت می‌کنند ولی رویکرد آنها نسبت به فمینیسم و کلاً نسبت به الهیات، بسیار لیبرال منشا نه است. آنها معتقدند که نگارندگان کتاب مقدس، مردان عصر خود بودند و در نتیجه دیدگاه‌های آنان محدود بود. فمینیست‌های لیبرال مسیحی در مباحثات خود از "شک هرمنوتیک" بهره می‌جویند - یعنی "همواره این فرض را به کار می‌برند که نگارندگان و مفسران مذکر کتاب مقدس عمداً در اوایل دوران مسیحیت نقش زنان را به زیر سایه برده‌اند." (۹۶) با استفاده از این هرمنوتیک، به راحتی می‌توان هر مطلبی را که در انجیل برخلاف سلیقه فمینیستی شخص پیدا می‌شود، غربال نمود و کنار گذاشت.

فمینیست‌های عیسوی کسانی هستند که عموماً (و نه همیشه) دیدگاه‌های محافظه‌کارانه‌ای در زمینه کتاب مقدس و الهیات دارند، ولی با این حال به آرمان فمینیستی لغو تبعیض جنسیتی در جامعه، کلیسا و خانه وفادار هستند. آنها معتقدند که کتاب مقدس، باید مرجع قرار گیرد و اگر درست فهمیده شود، از دیدگاه‌های فمینیستی آنها حمایت می‌کند.

نخستین کتاب تاریخی که به‌طور گسترده‌ای پیرامون نقش زنان در کلیسا منتشر گردید و به ایجاد یک الهیات ویژه فمینیستی اشاره داشت، در سال ۱۹۶۸ چاپ شد: "کلیسا و جنس دوم" (The Church and the second sex) اثر مری دالی (Mary Daly) (۹۰) به دنبال انتشار این کتاب، بازار عملاً از کتاب‌ها و مقالات مربوط به الهیات فمینیستی پر شد، که تمام آنها این اندیشه را که خداوند به فرمان خود زنان را فرودست قرار داده، به چالش می‌کشیدند.

در سال ۱۹۷۵، کنفرانس فمینیست‌های عیسوی در واشنگتن دی سی برگزار شد و ۳۶۰ شرکت‌کننده از

سراسر ایالات متحده را به خود جذب نمود. این کنفرانس رسماً اصلاحیه برابری حقوق را مورد تصویب قرار داد و سازمان زنان عیسوی را تشکیل داد که یک مجموعه مردمی با هدف افزایش آگاهی عمومی است و در بسیاری از شهرهای بزرگ دفتر دارد. (۹۱) برخی سنت‌گرایان بر این عقیده هستند که ظهور فمینیسم عیسوی می‌تواند مثالی از تأثیر منفی موجود در کل فرهنگ جامعه و مسیحیت معاصر باشد. با این حال، فمینیست مسیحی، ویرجینیا مالنکوت (Virginia Mallenkot) این ارزیابی را مردود می‌داند:

"این طور نبود که ما اول فمینیست بشویم و بعد تلاش کنیم مسیحیت خود را بر فمینیسم منطبق نماییم. ما از آن جهت پرچم جنبش فمینیسم را برافراشتیم که اعتقاد پیدا کردیم کلیسا از درک صحیح اراده خداوند در مورد زنان منحرف شده است." (۹۲)

آیا واقعاً کلیسا از درک درست خواست و اراده خداوند برای زنان منحرف شده است؟ اکنون ما وارد بررسی این موضوع خواهیم شد که چگونه فمینیست‌های عیسوی برای اثبات مدعای خود از متن کتاب مقدس دلیل می‌آورند. برای ساده کردن کار، من در ابتدا توجه خود را تنها به نوشته‌های عده معدودی از مهم‌ترین فمینیست‌های عیسوی معطوف می‌سازم. به علاوه، به دلیل محدودیت فضا، تنها استدلال‌های اصلی و آیات مهم کتاب مقدس را که برای دفاع از نظر خود مورد استناد قرار داده‌اند بررسی می‌نمایم.

فمینیسم عیسوی: مروری کلی
بحث را با یادآوری این نکته آغاز می‌کنیم که فمینیست‌های عیسوی با این فکر مخالف‌اند که انسان‌های مذکر، تصویر حقیقی خداوند هستند. مارگارت هاو (E. Margaret Howe)

یکی از برجسته‌ترین خداشناسان فمینیست عصر حاضر خاطر نشان می‌سازد که تصویر فوق بر مبنای برداشت عهد عتیق (تورات) بنا شده که خداوند را "پدر" معرفی می‌کند و در مقابل، برداشت عهد جدید (انجیل) را که خداوند را چونان "مادر" تصویر می‌کند، نادیده گرفته است. به عنوان مثال، خداوند در انجیل در مواردی به عنوان مادر و پرستار، قابله و زن خانه‌دار ترسیم شده است.

هاو می‌گوید، با توجه به گرایش موجود نسبت به تصور نمودن خداوند در قالب یک مرد، بیشتر جنسیت خدا مورد تأکید قرار گرفته تا شخصیت وی. وی در این خصوص چنین اظهار نظر می‌کند که، "وقتی خداوند را مذکر تصور می‌کنیم در حقیقت در عالم اساطیر سیر می‌کنیم، درست همان‌طور که اگر خداوند را مونث تصور می‌کردیم چنین بود. وجود حقیقی خداوند فراتر از مرزهای جنسیتی است." (۹۳)

مسیح یک فمینیست بود - همان‌طور که پیشتر هم اشاره شد، بسیاری از مردم عیسوی به عنوان یک فمینیست در جامعه مردسالار قرن اول میلادی مورد ستایش قرار داده‌اند. این که مسیح زنان را با مردان برابر می‌شمرد روشن است. این مطلب از شیوه تعلیم و موعظه وی برای زنان مشهود است. به عنوان مثال، داستان ملاقات وی از خانه مارتا و مریم را در نظر بگیرید. (انجیل لوقا، آیات ۴۲-۴۸:۱۰) در این داستان، مارتا نقش معمول زنان را ایفا می‌کند: "توجه مارتا بیش از حد به پذیرایی بود." در مقابل، مریم نقش مردانه‌ای به خود گرفت: "او در کنار مسیح نشست و به موعظه وی گوش سپرد." مارتا وقتی که دید مریم نقش یک روشنفکر را بازی می‌کند، احساس کرد که کار او نادرست است و به همین علت از او به عیسی گلایه کرد. اما پاسخ عیسی

این طور نبود که ما اول فمینیست بشویم و بعد تلاش کنیم مسیحیت خود را بر فمینیسم منطبق نماییم. ما از آن جهت پرچم جنبش فمینیسم را برافراشتیم که اعتقاد پیدا کردیم کلیسا از درک صحیح اراده خداوند در مورد زنان منحرف شده است."

"وقتی خداوند را مذکر تصور می‌کنیم در حقیقت در عالم اساطیر سیر می‌کنیم، درست همان‌طور که اگر خداوند را مونث تصور می‌کردیم چنین بود. وجود حقیقی خداوند فراتر از مرزهای جنسیتی است."

این که مسیح زنان را با مردان برابر می‌شمرد روشن است. این مطلب از شیوه تعلیم و موعظه وی برای زنان مشهود است

بدین معنا بود که همه زنان را نمی‌توان مجبور کرد که نقش یکسانی ایفا کنند. او مریم را انسانی می‌دانست که حق دارد اهداف خود را انتخاب کند و با این کار خود هدف بهتری را برگزیده است. مسیح او را برای این کار تشویق کرد و گفت: "این حق را نباید از وی گرفت." (۳۳) متفکر فمینیست گرن هال (Gretchen Hull) آیات ۴۲-۳۸: ۱۰ انجیل لوقا را "رویاری مهمی قلمداد می‌کند، زیرا این برخورد به ما یاد می‌دهد که زنان باید مطالعه الهیات را بر مشغولیت به کارهای خانه ترجیح دهند." (۳۴)

ایدا اسپنسر (Aida Spencer)، یکی دیگر از نویسندگان فمینیست، این مطلب را که مسیح هر دوازده تن حواریون خود را از میان مردان برگزید، کم‌اهمیت می‌شمرد. "اگر انتخاب دوازده حواری مرد یهودی توسط عیسی بدان معنا باشد که زنان نباید نقش رهبری را در کلیساها به عهده بگیرند، آنگاه به همین ترتیب باید نتیجه بگیریم که مردان غیریهودی هم نمی‌توانند رهبر کلیسا بشوند." (۳۵) اما اسپنسر چنین استدلال می‌نماید که چون غیریهودی‌ها اجازه دارند رهبری کلیساها را برعهده بگیرند، همین مطلب باید در مورد زنان نیز صدق کند.

یکی دیگر از مواقعی که به اعتقاد فمینیست‌ها، مسیح نقش یک فمینیست را داشته، ظهور وی در نخستین رستاخیز است. مولنکات در این خصوص خاطر نشان می‌سازد که "زنان در آن دوران فرودست‌تر از آن شمرده می‌شدند که بتوانند در دادگاه شهادت دهند یا حتی به کودکان تعلیم دهند، چه رسد به این که برای مردان موعظه کنند؛ با این حال، مسیح زنان را مأمور ساخت که اولین شاهدان رستاخیز وی باشند و آنها را به نقاط مختلف فرستاد که به پیروان مذکر وی بیاموزند که او چگونه حیات دوباره

یافته است" (۳۷) و به دلیل آنچه که عیسی با مرگ و رستاخیز خود تعلیم داد، چنین استدلال می‌شود که مسیح زنان را از زیردستی نسبت به مردان که در تورات به آن حکم داده شده بود رها کند.

فرودستی زنان: نتیجه لعن الهی - فمینیست‌های عیسوی استدلال می‌نمایند که ریاست مردان و پیروی بی‌چون و چرای زنان در روابط مادی، حاصل لعن الهی است. در آیه ۱۶: ۳ از سفر پیدایش تورات، خداوند حکمی را به زبان زنان مقرر فرموده است: "من رنج‌های شما را در به دنیا آوردن کودکان بسیار افزایش خواهم داد؛ شما فرزندان خود را با درد به دنیا خواهید آورد. شما به شوهر خویش نیاز خواهید داشت و او بر شما حکومت خواهد کرد."

مالنکوت چنین استدلال می‌نماید که در کتاب پیدایش، گناه تنها زمانی به انسان راه می‌یابد که آدم و حوا اراده خویش را جایگزین اراده خداوند می‌نمایند و از آن زمان برتری مردان بر زنان جا می‌افتد. (۳۸) گیلبرت بیلزیکیان (Gilbert Bilezikian)، متفکر فمینیست چنین استدلال می‌نماید که "بهتر است فرض کنیم هم برتری مردان و هم مرگ، با اراده اولیه خداوند مغایرت داشته است. هر دو حاصل گناه هستند که عامل آن شیطان بوده است. به عبارت دیگر، ریشه سلطه مردان، شیطانی است." (۳۹)

فمینیست‌ها می‌گویند این یک بشارت خجسته است که در انجیل آمده: "قانون حیات بخش روح القدس آدمی را از قانون گناه و مرگ رهایی بخشیده است." (کتاب رومیان، آیه ۸: ۲)

هاو مدعی است که "به زبان الهیات، مرگ مسیح، بشریت را از نفرین گناه آزاد کرد. دیگر، زنان تحت رهبری و سلطه مردان قرار ندارند. روابط

دوجانبه و مکمل که آدم و حوا پیش از رانده شدن از آن بهره‌مند بودند. اکنون می‌تواند دوباره احیا شود." (۴۰)

برابری در داشتن مسیح (کتاب گالاتیان‌ها، آیه ۳: ۲۸) - می‌توان مدعی شد که آیه اصلی مورد استناد فمینیست‌های عیسوی، آیه ۳: ۲۸ از کتاب گالاتیان‌هاست: "نه یهودی نه یونانی، نه بنده نه آزاد، نه مرد و نه زن، چرا که همه در داشتن یک مسیح شریک‌اند."

فمینیست‌های عیسوی چنین استدلال می‌کنند که پل مقدس در این آیه درباره برابری زنان و مردان از لحاظ جایگاه معنوی در نزد خداوند صحبت نمی‌کند بلکه منظور وی آثار عملی این برابری در جامعه است. ریچارد و جویس بولدری (Richard and Joyce Boldrey) چنین استدلال می‌کنند که آیه ۳: ۲۸ از کتاب گالاتیان‌ها نمی‌گوید که "خداوند همه شما را دوست دارد ولی هر کس سر جای خودش باقی بماند؛ بلکه می‌گوید جایگاه‌های قدیم و طبقه بندی‌ها و اختلاف حقوق، امتیازات، قوانین و ارزش‌ها از میان رفته است." (۴۱)

لئا اسکانونی (Letha Scanzoni) و نانسی هاردستی (Nancy Hardesty) عقیده دارند که با توجه به آیه مزبور، "تمام اختلافات اجتماعی میان مردان و زنان باید در کلیسا از بین برود." (۴۲)

تسلیم دوجانبه - آیات ۲۴-۲۱: ۵ کتاب افسوسی‌ها (Ephesians) به مردان و زنان حکم می‌کند: "به احترام مسیح، در مقابل یکدیگر تسلیم گردید. زنان در مقابل شوهران خویش همچون در مقابل خداوند تسلیم شوند. زیرا شوهر سرپرست زن است، همان‌طور که مسیح سرپرست و نجات‌دهنده کلیساست. حال همان‌گونه که کلیسا در مقابل مسیح سر تسلیم فرود می‌آورد، زنان نیز در هر امری باید تسلیم شوهران خویش باشند."

تسلیم شوهران خویش

◆ زنان در آن دوران فرودست‌تر از آن شمرده می‌شدند که بتوانند در دادگاه شهادت دهند یا حتی به کودکان تعلیم دهند، چه رسد به این که برای مردان موعظه کنند؛ با این حال، مسیح زنان را مأمور ساخت که اولین شاهدان رستاخیز وی باشند و آنها را به نقاط مختلف فرستاد که به پیروان مذکر وی بیاموزند که او چگونه حیات دوباره یافته است

◆ می‌توان مدعی شد که آیه اصلی مورد استناد فمینیست‌های عیسوی، آیه ۳: ۲۸ از کتاب گالاتیان‌هاست: "نه یهودی نه یونانی، نه بنده نه آزاد، نه مرد و نه زن، چرا که همه در داشتن یک مسیح شریک‌اند. از کتاب گالاتیان‌ها نمی‌گوید که "خداوند همه شما را دوست دارد ولی هر کس سر جای خودش باقی بماند؛ بلکه می‌گوید جایگاه‌های قدیم و طبقه بندی‌ها و اختلاف حقوق، امتیازات، قوانین و ارزش‌ها از میان رفته است

◆

اسکانزونی و هاردستی پیشنهاد می‌کنند که آن دسته از عبارات انجیل که جنبه خداشناختی و نظری دارد، باید برای تفسیر عبارت دیگری به کار رود که نگارنده آن به مشکلات فرهنگی و عملی یک ناحیه خاص می‌پردازد

زنی که به سمت رهبری در کلیسا انتخاب شده، نقش مردان را ایفا نمی‌کند؛ اما ازسوی دیگر نیز نمی‌تواند به عنوان یک هدف جنسی درمقابل جمعیت بایستد و به سخنرانی بپردازد. موها و شانه‌های وی باید پوشیده باشد، چون به عنوان موجودی برابر مردان در پیشگاه خداوند قرار می‌گیرد و نه به عنوان طعمه‌ای برای شهوت مردان. بدین ترتیب، اقتداری که خداوند به خاطر فعالیت در راه مسیح به وی بخشیده و هیچ فرقی در آن میان زن و مرد نیست

این آیه را چگونه می‌توان تفسیر کرد که با آرمان‌های فمینیستی منطبق گردد؟ فمینیست‌ها عموماً آیه ۲۱ را که از زنان و شوهران می‌خواهد درمقابل یکدیگر تسلیم گردند، آیه اصلی و کلیدی این بخش به حساب می‌آورند. به خاطر رنج‌های مسیح بر روی صلیب، سلطه مردان که پس از زنده شدن از بهشت برقرار شده بود، از میان رفت و اکنون در دین مسیح، زنان و مردان باید هر دو درمقابل هم تسلیم گردند. (اما سنت‌گرایان اغلب چنین استدلال می‌نمایند که ضمیر یونانی - allelous به معنی یکدیگر - می‌تواند به معنی بعضی درمقابل بعضی دیگر باشد. بدین ترتیب آیه ۲۱ را می‌توان به این شکل معنا کرد که برخی از شما که تحت سلطه هستند، باید درمقابل کسانی که بر آنها سلطه دارند تسلیم شوند. (۳۲)

آیات مزبور که از زنان می‌خواهد درمقابل شوهران خود تسلیم باشند برای فمینیست‌ها مشکل‌ساز است. آنها به هر طریقی تلاش می‌کنند این آیات را تفسیر نمایند. برخی استدلال می‌کنند که الگوی سلسله مراتبی برای روابط مردان و زنان برای عهد عتیق مناسب بوده، اما برای مسیحیان قرن بیستم دیگر الزام‌آور نیست. درحقیقت، تفسیری که به یک نظم اجتماعی تاریخی جنبه مطلق ببخشند، مورد پذیرش آنها نیست. (۳۳) اسکانزونی و هاردستی پیشنهاد می‌کنند که آن دسته از عبارات انجیل که جنبه خداشناختی و نظری دارد، باید برای تفسیر عبارت دیگری به کار رود که نگارنده آن به مشکلات فرهنگی و عملی یک ناحیه خاص می‌پردازد. به استثنای آیه ۲۸:۳ کتاب گالاتیان‌ها [که ماهیت خداشناسی دارد] تمام اشارات به عمل آمده به زنان در عهد جدید مربوط به عباراتی است که به دغدغه‌های عملی مربوط به روابط شخصی یا رفتار افراد در

جریان عبادات می‌پردازد. (۳۴) بدین ترتیب، آیاتی مانند آنچه که اکنون بدان اشاره شد، باید تحت‌الشعاع آیه ۲۸:۳ گالاتیان‌ها قرار بگیرد.

دیگر فمینیست‌ها چنین استدلال می‌کنند که اگرچه پل در کتاب افسوس‌ها الگوی سلسله مراتبی روابط زن و مرد را آموزش داده، اما این آموزش وی مبتنی بر دیدگاه خاخام‌های یهودی بوده و اشتباه است. مالنکوت - یکی از نمایندگان این نظریه - معتقد است که آیات مبتنی بر روابط سلسله مراتبی، در نتیجه دخالت عامل انسانی، مخدوش شده‌اند. (۳۵)

گروهی دیگر از فمینیست‌ها تلاش دارند تا با ارائه تفسیر متفاوتی از واژه "سرپرست"، آیات مزبور را معنا کنند. آنها استدلال می‌نمایند که در آیات مزبور، عبارت "زیرا شوهر سرپرست زن است، همان‌طور که مسیح سرپرست کلیساست"، به هیچ عنوان نشانه اقتدار و ریاست نیست. بر عکس، واژه یونانی به کار رفته در این آیه به معنای منشأ و مبدأ است؛ این معنا در دو قطعه از ادبیات کهن نیز به چشم می‌خورد که عبارتند از کتاب هرودوتوس (۴،۹۱) و نوشته‌های اورفیک (۲۱،۵). (۳۶)

معنای "منشأ" برای این واژه با شرح مندرج در کتاب آفرینش منطبق است، چرا که بدون تردید، منشأ وجود و پیدایش زن، مرد است. (۳۸) از این رو، همان‌گونه که هربرت و فرن مایلز (Herbert and Fern Miles) استدلال می‌کنند "آنچه در فصل پنجم کتاب افسوس‌ها آمده حتی به صورت یک احتمال دور هم به این مطلب اشاره نمی‌کند که زنان موظف‌اند درمقابل شوهران خویش تسلیم شوند." (۳۷)

با این حال، وین گرودم (Wayne Grudem) از محققان انجیل با تحقیق در ۲۳۳۶ مورد از کاربردهای کلمه یونانی Kephale (به معنی

سرپرست) در نوشته‌های مهم یونانی عصر کلاسیک و هلنی، به هیچ موردی از کاربرد واژه مزبور در معنای اخیر (منشأ) برنخورده است. او می‌گوید که دو قطعه ادبیات کهن که ازسوی فمینیست‌ها مورد استناد قرار گرفت، هر دو حدود ۴۰۰ سال پیش از انجیل به رشته تحریر درآمده‌اند و دلیل قانع‌کننده‌ای محسوب نمی‌شوند. تمام واژه‌نامه‌های تخصصی ادبیات عصر انجیل، معنای این واژه را اقتدار و سلطه می‌دانند و هیچ‌یک به معنی "منشأ" اشاره نمی‌کنند. (۴۰)

صحیح بودن در کلیسا - فمینیست‌های عیسوی، مشتاقانه از این بحث دفاع می‌کنند که پل مقدس به زنان اجازه داده در کلیسا به موعظه بپردازند. (اشاره به آیه ۱۶-۱۲:۱۱ کتاب قرنطیان یا Cornith). با این حال، پل مقدس در این آیات برای موعظه کردن زنان یک شرط قائل شده: "هر زنی که با موهای پوشیده نشده به موعظه بپردازد، به خود توهین کرده است؛ زن واعظ باید بر روی سر خود علامت اقتدار داشته باشد." هاو در تفسیر این مطلب می‌گوید، تنها دغدغه پل مقدس آن بوده که زنان باید هویت زنانه خویش را حفظ نمایند و این امر باید در شیوه پوشش آنان مشهود باشد. زنی که به سمت رهبری در کلیسا انتخاب شده، نقش مردان را ایفا نمی‌کند؛ اما ازسوی دیگر نیز درمقابل جمعیت بایستد و به سخنرانی بپردازد. موها و شانه‌های وی باید پوشیده باشد، چون به عنوان موجودی برابر مردان در پیشگاه خداوند قرار می‌گیرد و نه به عنوان طعمه‌ای برای شهوت مردان. بدین ترتیب، "حجاب" نماد اقتدار وی است، اقتداری که خداوند به خاطر فعالیت در راه مسیح به وی بخشیده و هیچ فرقی در آن میان زن و مرد نیست. (۴۱) هاو با توجه به این دستورالعمل‌های دقیق چنین



وی برقرار کرده می‌بایست با از میان رفتن تمایزهای اجتماعی میان مردان و زنان، به تدریج از میان می‌رفته است. (۳۲)

دیگر فمینیست‌ها، ممنوعیت برقرار شده توسط پل را صرفاً مربوط به زنانی می‌دانند که در کلیسا آموزش‌های غلط و نادرست می‌دهند. از این منظر، هدف ممنوعیت مزبور آن نبوده که برای همیشه چنین محدودیتی برای زنان برقرار باشد. پل در کتاب قرنطیان فقط به یک مشکل محلی خاص پرداخته و مانع از آن شده که عده‌ای زنان منجر به دیگران را هم به انحراف بکشند.

نگرش فمینیستی - از بررسی مختصری که به عمل آمد، می‌توانیم نتیجه بگیریم که فمینیست‌های عیسوی بعضاً برای دفاع از اهداف خود به متن کتاب مقدس استناد می‌نمایند. (به ویژه آیه ۱۶: ۳ سفر

برهم‌زدن نظم جلسه وعظ منع کرده است، نه از تعلیم رسمی یا رهبری در کلیسا.

مطلبی که برای فمینیست‌ها بیشتر تولید اشکال نموده، آیات ۱۲-۱۱: ۲ کتاب تیموتی (Timothy) است که در آن پل مقدس می‌گوید: "زن باید سکوت کامل و تسلیم را بپذیرد و بیاموزد. من به زنان اجازه نمی‌دهم که به تعلیم مردان بپردازند یا بر آنان اقتدار داشته باشند؛ زن باید ساکت باشد. یکی از تئوری‌های رایج فمینیست‌ها برای تفسیر این عبارت آن است که علت ممانعت پل از موعظه کردن زنان یا تعلیم دادن توسط آنان، این بوده که زنان در آن دوران از آموزش‌های مناسب برخوردار نبودند. (۳۳) لذا چون زنان قرن بیستم از آموزش‌های بهتری برخوردارند و صلاحیت آموزش دارند، حکم پل در مورد آنها جاری نیست. ممنوعیتی که

استدلال می‌نماید: "خودخواهانه است اگر بپذیریم که گفته‌های بعدی پل در این کتاب، زنان را از ورود به کلیسا بازمی‌دارد و آنها حق صحبت کردن در کلیسا را ندارند." (۳۴)

سکوت در کلیسا - پل مقدس در آیات ۳۴-۳۵: ۱۴ کتاب قرنطیان گفته است که: "زنان باید در کلیسا سکوت اختیار کنند. آنها اجازه صحبت کردن ندارند و طبق قانون باید تسلیم باشند. اگر هم پرسشی داشته باشند، باید از شوهران خویش در منزل سوال نمایند، زیرا این باعث بی‌آبرویی زن است که در کلیسا سخن بگوید."

بیشتر فمینیست‌های مسیحی بر این باورند که واژه "صحبت کردن" در آیه یادشده تنها به صحبت کردن کلی یا حرف‌زدن بی‌هدف اشاره دارد و سخنرانی رسمی، مباحثه یا آموزش و تعلیم را دربر نمی‌گیرد. بدین ترتیب پل زنان را از حرف‌زدن بیهوده یا



طرح از سالیسی زنان ۱۳۸۱

پیدایش و آیه ۲۸: ۳ کتاب گالاتیان ها) اما در مقابل، آنها مدعی هستند که در دیگر فرازهای کتاب مقدس، صرفاً به فرهنگ‌های خاص و محلی قرن اول میلادی پرداخته شده و آموزه‌های آن برای جامعه مدرن قابل اجرا نیست.

فمینیست‌های عیسوی علاوه بر آنچه بیان کردیم، استدلال‌های بسیار دیگری را نیز مطرح می‌سازند. اما آنچه بیان شد، برای نشان دادن اساس نگرش آنها کافی است. حال، ما توجه خود را به این موضوع معطوف می‌نماییم که سنت‌گرایان چگونه با این شاخه از الهیات رهایی‌بخش برخورد می‌نمایند.

نقد

بی‌تردید، الهیات رهایی‌بخش فمینیسم، تأثیرات مهم و مثبت بسیاری بر جای گذاشته است. من تنها به چند مورد از مهم‌ترین آثار آن اشاره می‌نمایم: نخست آن‌که الهیات فمینیست توجه ناظران را به نقش بسیار ارزشمندی که زنان در طول تاریخ در کلیسا ایفا کرده‌اند جلب نموده است. دوم آن‌که الهیات فمینیسم به‌درستی به ناتوانی بسیاری از مردان در ایفای نقش و تکلیف الهی خویش مبنی بر عشق‌ورزیدن به همسران خود - همچون عشق مسیح نسبت به کلیسا - اشاره نموده است. اگر شوهران مسیحی در طول قرون متمادی همواره به این تکلیف خود احترام می‌گذاشتند، مشاجره بر سر تبعیض جنسیتی در کلیسا قابل پیش‌گیری بود. (با دست‌کم شدت آن به حد قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌یافت.) سوم آن‌که الهیات فمینیسم بیانیه‌ای است علیه سوءاستفاده و ستم رواداشته شده بر زنان توسط مردان سلطه‌گرا. من این آثار را مهم و بسیار سودمند می‌دانم. اما علی‌رغم این تأثیرات مثبت، برخی مشکلات جدی نیز وجود دارد که باید به آنها پرداخت. متأسفانه،

◆ الهیات فمینیسم به‌درستی به ناتوانی بسیاری از مردان در ایفای نقش و تکلیف الهی خویش مبنی بر عشق‌ورزیدن به همسران خود - همچون عشق مسیح نسبت به کلیسا - اشاره نموده است. اگر شوهران مسیحی در طول قرون متمادی همواره به این تکلیف خود احترام می‌گذاشتند، مشاجره بر سر تبعیض جنسیتی در کلیسا قابل پیش‌گیری بود. الهیات فمینیسم بیانیه‌ای است علیه سوءاستفاده و ستم رواداشته شده بر زنان توسط مردان سلطه‌گرا

◆

محدودیت مقاله اجازه نمی‌دهد که به تمام استدلال‌های یادشده پاسخ بدهیم. بنابراین، من نقد خود را به یکی از مبانی محوری الهیات فمینیسم یعنی به این نظریه محدود می‌نمایم که فرودستی زنان نتیجه رانده‌شدن از بهشت بوده و با ظهور مسیح، تمام سلسله مراتب اجتماعی از میان برداشته شده است. اگر غلط بودن این مبنا به اثبات برسد، آنگاه دیدگاه فمینیست‌ها درباره بسیاری از آیات و فرازهای عهد جدید (انجیل) به شدت دچار لطمه خواهد شد.

فمینیست‌ها در تلاش برای اثبات این امر که فرودستی زنان نتیجه رانده‌شدن از بهشت بوده، به متن حکم خداوند علیه زنان در آیه ۱۶: ۳ سفر پیدایش استناد می‌نمایند: "مردان بر شما حکومت خواهند کرد." با این حال، بررسی دقیق‌تر متون کتاب مقدس آشکار می‌سازد که این نظر درست نیست. ریاست مردان حتی پیش از رانده‌شدن از بهشت به روشنی در کتاب آفرینش تبیین شده است. نخست مرد آفریده شد و زن از دنده آدم آفریده شد تا یاور وی باشد. (آیه ۱۸: ۲ سفر پیدایش).

به طور مسلم، هم مرد و هم زن به‌عنوان جلوه‌ای از وجود خداوند خلق شدند و به آنها کرامت شخصی اعطا گردید، ولی خداوند براساس داستان آفرینش، رابطه‌ای غیرقابل برگشت میان آنها برقرار ساخته که در آن مرد، ضمن تکلیف به عشق‌ورزیدن، بر زن ریاست دارد.

در داستان آفرینش، ریاست و سرپرستی آدم بر حوا در شکل‌های مختلف بیان شده است. به‌عنوان مثال، به محض آفرینش زن، آدم نام او را برگزید: "وی زن نامیده می‌شود زیرا از بدن مرد بیرون آمده است." (سفر پیدایش، آیه ۲: ۲۵) این مطلب واجد اهمیت است چون در گذشته، نامیدن یا انتخاب کردن نام برای کسی، نشان‌دهنده اقتدار و سلطه بر

فرد نامگذاری شده به حساب می‌آید. این نکته نیز بسیار روشنگر است که وقتی خداوند به بیان احکام مربوط به مسئولیت اخلاقی می‌پردازد، این احکام را خطاب به آدم بیان می‌کند (سفر پیدایش، آیات ۱۷-۱۶:۲) و به دنبال رانده شدن از بهشت، خداوند ابتدا آدم - و نه حوا - را احضار نمود و مخاطب قرار داد، اگرچه عامل هدایت آدم به سمت گناه، حوا بود. بلافاصله پس از رانده شدن آدم و حوا از بهشت خداوند صدا می‌زند: «ای آدم، کجا هستی؟» (سفر پیدایش، آیه ۹:۳). در آیه ۱۲:۵ کتاب رومیان، تنها آدم مسئول رانده شدن از بهشت قلمداد شده است. اگرچه حوا در این جریان از نقش مهمی برخوردار بود. مسلماً، یکی از موارد کوتاهی آدم در ماجرای رانده شدن از بهشت، رهاکردن مسئولیت رهبری بوده است. او به جای اطاعت از خداوند و هدایت همسر خویش، از خدا نافرمانی کرد و به دنبال همسر خویش حرکت نمود (و میوه ممنوعه را خورد). به همین دلیل، خداوند حکم خود را ابتدا با خطاب قراردادن آدم، اعلام می‌دارد: «چرا که تو به خواست همسر خود گوش سپردی.» (آیه ۱۷:۳ کتاب آفرینش). بنابراین، در جریان رانده شدن آدمی از بهشت، آدم از سلسله مراتب تعیین شده میان زن و مرد تخطی نمود و همین امر موجب رانده شدن وی گردید. به بیان گوردون ونهام، «حوا به جای آدم از شیطان تبعیت کرد و آدم نیز به جای خداوند از حوا متابعت نمود.»^(۳۵)

با توجه به این موضوع، حکم خداوند علیه زنان در آیه ۱۶:۳ سفر پیدایش را نمی‌توان اولین منشأ نظم اجتماعی سلسله مراتبی زنان و مردان دانست، بلکه این آیه صرفاً به یک واقعیت اشاره دارد مبنی بر این که پس از گناه کردن آدمی، نظم سلسله مراتبی مزبور همچنان به قوت خود باقی است، اما اکنون اثر گناه آدمی در چارچوب نظم مزبور قابل حس کردن

می‌باشد. از این رو، کلام خدا در آیه ۱۶:۳ سفر پیدایش صرفاً توصیف آن چیزی است که در آینده به وقوع خواهد پیوست (یعنی سلطه و ستم مردان به جای ریاست توأم با عشق ورزیدن آنها)، و نه فرمانی که بندگان مطیع خداوند مکلف به تبعیت از آن باشند.

برابری در داشتن مسیح (کتاب گالاتیان‌ها، آیه ۲۸:۳) - هنگامی که مسیح می‌گوید: «نه یهودی، نه یونانی، نه بنده، نه آزاد، نه مرد و نه زن، به نظر می‌رسد که وی به نماز صبح مردان یهودی اشاره می‌کند که طی آن از خداوند تشکر می‌کردند که آنها را غیریهودی، برده یا زن نیافریده است.»^(۳۶) این سه طبقه از مردمان از مزایای بسیار محدودی در جامعه برخوردار بودند. از لحاظ زمینه تاریخی، آیات مقدم بر آیه یادشده به ایمان اشاره دارند و به این که چگونه شخص در سایه رحمت مندرج در منشور ابراهیم قرار می‌گیرد. سپس در آیه ۲۶:۲، پل می‌گوید: «شما به دلیل ایمان به عیسی مسیح، همگی فرزندان خدا هستید.» برای پل، واژه فرزند به معنی وارث است. در جامعه، این سه گروه بندی دوگانه میان مردمان - که از لحاظ خلقت و از بعد هستی شناختی با یکدیگر نامساوی نیستند - [چرا که همه به طور یکسان مخلوق خداوند می‌باشند.] - در جامعه از امتیازات نابرابر برخوردار شده‌اند، اما پل می‌گوید که دعوت به نجات از سوی مسیح هیچ تمایزی میان افراد قائل نیست. بنابراین، در آیات ۲۸-۲۶:۳ کتاب گالاتیان‌ها، پل در صدد بیان این مطلب است که هرگز شخصی که به مسیح ایمان دارد، از فرزندی ابراهیم محروم نیست.^(۳۷)

این که پل صرفاً به ایمان انسان‌ها به مسیح اشاره داشته از کلمات مورد استفاده وی همچون «فرزندان خدا»، «تواریک‌ان ابراهیم» و «وارثان رحمت خدا» کاملاً مشهود است. این که بگوییم برابری در موقعیت در برابر خداوند

ضرورتاً به معنی برابری در نقش اجتماعی است، متضمن جهش نام معمولی از لحاظ منطقی خواهد بود. بنابراین، از میان رفتن نقش‌های مبتنی بر جنسیت از جامعه را نمی‌توان منطقاً از آیه ۲۸:۳ کتاب گالاتیان‌ها نتیجه گرفت. برابری در هستی و برابری در سلسله مراتب اجتماعی با یکدیگر لازم و ملزوم نیست. دکترین تثلیث بیانگر مطالب زیر است:

مسیح از لحاظ وجودی با پدر برابر است اما وی داوطلبانه در مقابل و در برابر رهبری پدر تسلیم می‌شود. بین این دو مطلب هیچ تعارضی وجود ندارد که از یک سو، برابری در هستی را بپذیریم و از سوی دیگر قائل به سلسله مراتب میان افراد از لحاظ نقش اجتماعی و عملکرد باشیم. به همین ترتیب، گفته‌های پل نیز مبنی بر این که «در دین مسیح مردوزن با هم برابرند» و «زنان باید تسلیم شوهران خود باشند» با یکدیگر تعارض ندارند. پرسشی که اکنون باید به آن بپردازیم (اگرچه خیلی گذرا) آن است که چگونه نظم سلسله مراتبی ایجاد شده در زمان خلقت با فرازهای کتاب مقدس در خصوص فرودستی بانوان ارتباط پیدا می‌کند.

صحبت کردن در کلیسا - آیات ۱۰-۸:۴ کتاب قرنطیان به ما می‌گوید که مردمان قرنطی، از آزادی خود در دوران مسیحیت بهره‌های فراوان می‌بردند. شاید زنان مسیحی در قرنطیه احساس می‌کردند که «به سر کردن پوشش نشانگر اقتدار» در هنگام وعظ و اجرای مراسم کلیسایی با موقعیت تازه آنها در چارچوب دین مسیح سازگار نیست.

با این حال، پل در فصل یازدهم کتاب تأکید می‌نماید که برابری جایگاه روحانی زنان با مردان به هیچ عنوان رافع ریاست مردان و تبعیت زنان که از زمان خلقت وجود داشته نمی‌باشد. پل در دفاع از نظریه خود عنوان نمود که مرد «جلوه شکوه خداوند است؛ اما زن جلوه شکوه مرد محسوب می‌شود؛ چرا

پل می‌گوید که دعوت

به نجات از سوی مسیح هیچ تمایزی میان افراد قائل نیست. بنابراین، در آیات ۲۸-۲۶:۳ کتاب گالاتیان‌ها، پل در صدد بیان این مطلب است که هرگز شخصی که به مسیح ایمان دارد، از فرزندی ابراهیم محروم نیست

بین این دو مطلب هیچ

تعارضی وجود ندارد که از یک سو، برابری در هستی را بپذیریم و از سوی دیگر قائل به سلسله مراتب میان افراد از لحاظ نقش اجتماعی و عملکرد باشیم

◆ جای بسی تأسف است که بسیاری از مردان در طول تاریخ از ساختار اقتدار تعیین شده از سوی خداوند در جهت ستم بر زنان سوء استفاده نموده‌اند و بعضاً اعمال خویش را با تفسیر غلط از فرازهای کتاب مقدس توجیه کرده‌اند

◆ جان پایپر (John Piper) در مقاله‌ای روشنگرانه گفته است که مردانگی و زنانگی دستاورد نازک آرایشی‌های هنرمندانه یک خدای خوب و مهربان می‌باشد. در حقیقت، اختلافات ما توسط خداوند طراحی شده و از ژرفایی حکمت آمیز برخوردار است. این اختلاف‌ها صرفاً پیش نیازهای روان‌شناختی برای اتحاد جنسی به شمار نمی‌رود. آنها در عمق شخصیت ما ریشه دارند.

که مرد از زن آفریده نشده بلکه زن از مرد آفریده شده است. (کتاب قرنطیان، آیه‌های ۹-۱۱:۷). پل، استدلال خود در مورد فرودستی زنان را بر مبنای ترتیب خلقت و هدف از آفرینش زن بنا نموده است - و نه بر اساس کلام خداوند خطاب به حوا به هنگام راندن آدمی از بهشت. او خاطرنشان ساخته که زن با ایفای نقش اطاعت عملی از مرد، موجب افتخار مرد می‌گردد، در حالی که مرد با ایفای نقش رهبری، مایه شکوه و عظمت خداوند است.

با توجه به این امر، استدلال پل در آیات ۱۱-۲:۱۱ کتاب قرنطیان را به این شرح می‌توان خلاصه کرد:

۱. مرد سرپرست زن است، درست همان‌طور که مسیح سرپرست کلیسا و خدا سرپرست مسیح به‌شمار می‌آید.
۲. بنابراین، هر زمانی که به تعلیم یا موعظه در کلیسا می‌پردازد باید به‌گونه‌ای این کار را انجام دهد که نظم اجتماعی سلسله مراتبی ایجاد شده توسط خالق، حفظ گردد و این هدف از راه "بر سر کردن علامت اقتدار" تأمین می‌شود.

سکوت در کلیسا

(آیات ۳۶-۳۳:۱۴ کتاب قرنطیان) - چگونه می‌توان آیه ۱۱ کتاب قرنطیان را که در آن پل به زنان اجازه می‌دهد در کلیسا به موعظه بپردازند، با فصل ۱۴ این کتاب که در آن پل به زنان فرمان سکوت در کلیسا می‌دهد، جمع نمود؟ پیشتر به این نکته اشاره نمودیم که به اعتقاد بسیاری از فمینیست‌ها، پل در فصل ۱۴ کتاب فقط صحبت کردن بیهوده در کلیسا را منع نموده است. بر این اساس، ممنوعیت پل شامل موعظه رسمی در کلیسا نمی‌شود. اما این تفسیر با چارچوب متن سازگاری ندارد. پل به زنان فرمان سکوت داده زیرا که آنها زن هستند و نه به این خاطر که آنها به صحبت‌های بیهوده و بی‌نظمی در کلیسا می‌پردازند. پل می‌گوید که زنان برای تبعیت از مردان باید

همان‌طور که قانون می‌گوید سکوت اختیار نمایند. در مورد مفهوم واژه "قانون" در این عبارت میان صاحب‌نظران اختلاف وجود دارد، (۳۸) اما این مطلب خارج از موضوع بحث ما می‌باشد. نکته مهم آن است که پل با استفاده از این واژه مشخصاً به متن کتاب مقدس اشاره کرده است - خواه اشاره وی به قوانین موسی بوده یا به کل متن تورات.

بنابراین، استناد پل به قانون نشان می‌دهد که او فقط به تکرار مطلبی که از ادبیات یهودیان آموخته نمی‌پردازد، بلکه مطلبی را تعلیم می‌دهد که مبنای آن کلام خداوند است. به علاوه، استناد پل به قانون بیانگر آن است که فرمان سکوت وی به زنان فرمائی الهی و کلی است، نه یک حکم اجتماعی یا فرهنگی.

کتاب تیموتی، آیات ۱۴-۱۱:۲ یکی دیگر از فرازهایی که پل در آن خواستار "سکوت زنان" در کلیسا می‌شود، آیات ۱۴-۱۱:۲ کتاب تیموتی است: "زنان باید سکوت و اطاعت محض را بیاموزند. من به زنان اجازه نمی‌دهم که به مردان تعلیم دهند یا بر آنها سلطه داشته باشند؛ آنها باید سکوت اختیار کنند؛ زیرا ابتدا آدم خلق شد و سپس حوا و آن‌کس که فریب خورد آدم نبود؛ این زن بود که فریب خورد و گناهکار شد."

در اینجا پل استدلال خود در مورد فرودستی زنان را بر اساس ترتیب خلقت و ترتیب گناهکاری زنان و مردان بنا می‌سازد. استدلال پل تقریباً به این شرح است: "ابتدا آدم به‌عنوان سرپرست خلق شد؛ سپس حوا خلق گردید ولی وی قبل از آدم فریب خورد؛ بنابراین، زنان با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند." از نظر پل، تقدم زمانی نشانگر برتری مرد است و زن تنها کمک شایسته‌ای برای مرد به‌شمار می‌رود و باید از این برتری تبعیت نماید. (کتاب آفرینش، آیه ۱۸:۲)

با عنایت به این نکته که در عهد

جدید (دوران نازل شدن انجیل)، معلمان از اقتدار ویژه‌ای نسبت به تعلیم‌گیرندگان برخوردار بودند، می‌توانیم مفهوم ممنوعیت برقرار شده از سوی پل را درک نماییم. (۳۹) بنابراین، آموزش دین در کلیسا ویژه مردانی بود که خداوند به آنان اقتدار بخشیده بود تا در امور معنوی، نماینده وی باشند. به اعتقاد پل، زنان اجازه ندارند به تعلیم جماعت در کلیسا بپردازند، زیرا به دلیل ماهیت تعلیم، این کار آنها را در موقعیت برتری معنوی نسبت به مردان قرار خواهد داد.

حال، این فرمان پل مبنی بر سکوت زنان چگونه با تجویز موعظه کردن آنها در کلیسا در کتاب قرنطیان قابل جمع است؟ در فصل ۱۱ کتاب قرنطیان، زن‌ها کلمات الهی بیان می‌کنند، در حالی که در فصل ۱۴ کتاب مزبور و فصل ۲ کتاب تیموتی چنین نیست. زنانی که تحت نفوذ الهی به سخنوری می‌پردازند، اقتدار شخصی خویش را بر مردان اعمال نمی‌کنند و بنابراین، ناقض فرمان محدودکننده پل نیستند.

من اذعان می‌کنم که صاحب‌نظران برای رفع این تعارض راه‌حل‌های مختلفی را ارائه کرده‌اند. با توجه به درک من از خداشناسی پل، چنین به نظر می‌آید که اگرچه زنان از لحاظ جایگاه خود، در برابر خداوند کاملاً با مردان برابر هستند، اما از داشتن جایگاه عملی برتر در کلیسا نسبت به مردان و تعلیم دادن به آنها در جمع منع شده‌اند. این نه به معنای برتری مردان است و نه به معنی فرودستی زنان. الهیات پل صرفاً انعکاس تقدم و تأخیر در خلقت از سوی خداوند است، به‌گونه‌ای که مرد برای رهبری معنوی زن آفریده شده است.

با این حال، زنان از تعلیم دادن به مردان به صورت انفرادی منع نشده‌اند - همان‌طور که پرسیلا (Priscilla) به همراه شوهر خود آکوئیلایا (Aquila) به آپولوس (Apollos)

تعلیم داد. (در این روایت، پریسیلا کاملاً تحت سرپرستی آکوئینا که ریاست از آن وی بود به تعلیم می‌پرداخت.) همچنین، زنان از موعظه به صورت محترمانه و توأم با فرمانبرداری از مردان منع نشده‌اند. سخن گفتن زنان برای همکیشان زن و مرد خود با هدف آرامش بخشیدن به آنها نیز ممنوع نیست. تعلیم دادن زنان به زنان و به کودکان و شرکت کردن آنها در مراسم و مناسک سازنده نیز آزاد است. به‌طور خلاصه، زن‌ها حق دارند به شیوه‌های مختلف به خداوند خدمت نمایند اما این کار باید در قالب نظام فرمانبرداری که خدا طراحی نموده است، صورت بگیرد.

با درک این مطلب که جهان‌بینی کتاب مقدس مبتنی بر این فرض است که خداوند، جهان را به گونه‌ای طراحی و خلق کرده که در راستای هدف مورد نظر وی عمل نماید، می‌توانیم موضوع را بهتر مورد فهم قرار دهیم. یکی از عناصر مهم این جهان‌بینی مفهوم اقتدار است. آیه ۱:۱۳ کتاب رومیان به ما می‌گوید که خداوند نه فقط مبدأ هرگونه اقتدار، بلکه سرچشمه اصلی مفهوم اقتدار می‌باشد. این که جهان باید بر محور مجموعه‌ای از روابط سلسله مراتبی بگردد، خواست خداست و بخشی از طرح مورد نظر اوست. او اقتدار خود را هر طور که بخواهد به کسانی که در جایگاه‌های مناسب قرار داده می‌بخشد و مخلوقات با قبول اقتدار در واقع در مقابل وی سر تسلیم فرود می‌آورند. (۴۰)

در چارچوب این ساختار اقتدار، چه زنان و چه مردان از امتیاز خدمت نمودن به خداوند برخوردار شده‌اند - اما این خدمت از طرف آنها صورت‌های مختلف به خود می‌گیرد. صرف این که کتاب مقدس گفته زنان نباید از موضع اقتدار به مردان تعلیم دهند، بدان معنا نیست که تعلیمات زنان بی‌اهمیت است. از نظر پل، هر تعلیمی ارزشمند است: "چشم‌ها

نمی‌توانند به دست‌ها بگویند من به شما نیاز ندارم و سر نمی‌تواند به پاها بگوید من به شما نیاز ندارم. برعکس، آن اعضای بدن که ضعیف‌تر به نظر می‌رسند هم وجودشان ضروری است و آن اعضایی که می‌پنداریم ارزش کمتر دارند باز هم باید مورد احترام خاص ما باشند." (کتاب قرنطیان، آیات ۲۳-۲۱:۱۲)

بدین ترتیب، آیا زنان باید وارد تعلیمات کلیسا بشوند؟ البته که چنین است! جی. آی. پکر (J.I. Pecker) در این باره می‌گوید: "این که زنان از توانایی تعلیم در کلیسا برخوردارند و به این کار دعوت شده‌اند، کاملاً واضح است و انسان‌های مستعد، موهبتی هستند که کلیسا باید قدر آنها را به درستی بداند و از آنها به خوبی استفاده نماید." (۴۱) با این حال، همان‌طور که پکر خاطر نشان می‌نماید، این دعوت به خدمتگزاری در کلیسا (مطابق متن کتاب مقدس) به معنی پیدا کردن اقتدار مذهبی از سوی زنان نسبت به مردان نمی‌باشد.

مردانگی و زنانگی براساس کتاب مقدس

جای بسی تأسف است که بسیاری از مردان در طول تاریخ از ساختار اقتدار تعیین شده از سوی خداوند در جهت ستم بر زنان سوءاستفاده نموده‌اند و بعضاً اعمال خویش را با تفسیر غلط از فرازهای کتاب مقدس توجیه کرده‌اند. این تفاسیر غلط را باید به عنوان مخدوش نمودن فاحش (و گناه‌آلود) اراده اولیه خداوند برای مردان و زنان محکوم کرد.

جان پایپر (John Piper) در مقاله‌ای روشنگرانه گفته است که مردانگی و زنانگی دستاورد نازک آرای‌های هنرمندانه یک خدای خوب و مهربان می‌باشد. درحقیقت، اختلافات ما توسط خداوند طراحی شده و از ژرفایی حکمت‌آمیز برخوردار است. این اختلاف‌ها صرفاً پیش نیازهای روان‌شناختی برای اتحاد

جنسی به‌شمار نمی‌رود. آنها در عمق شخصیت ما ریشه دارند. (۴۲)

پایپر با پرداختن به ضرورت بازگشت به مردانگی و زنانگی تعریف شده در کتاب مقدس عنوان می‌کند که "در قلب مردانگی تکامل یافته، احساس مسئولیت توأم با شفقت برای هدایت و حمایت از زنان متناسب با روابط مختلف یک مرد نهفته است. از سوی دیگر، در قلب زنانگی تکامل یافته، آمادگی پذیرش، دریافت و پرورش قدرت و رهبری مردان ارزشمند نهفته است." (۴۳)

این دعوت برای بازگشت به سوی مردانگی و زنانگی تبیین شده در کتاب مقدس منجر به آن شد که الیزابت الیوت (Elizabeth Elliot) بگوید: "رهایی حقیقی حاصل تسلیم متواضعانه در برابر خواست خداوند است." (۴۴) درحقیقت، ارزشمندترین دستاورد هر انسان - زن یا مرد - کشف اراده خداوند و حرکت در راستای تأمین آن می‌باشد. بیایید همگی تنها همین را هدف خود قرار دهیم.

- منابع در دفتر نشریه موجود است.

◆ الیزابت الیوت (Elizabeth Elliot) می‌گوید: "رهایی حقیقی حاصل تسلیم متواضعانه در برابر خواست خداوند است." درحقیقت، ارزشمندترین دستاورد هر انسان - زن یا مرد - کشف اراده خداوند و حرکت در راستای تأمین آن می‌باشد. بیایید همگی تنها همین را هدف خود قرار دهیم

